

# گفتنی های عینک ساز

## «خسر و شکیبایی»، «شهبازیان» و «ابتهاج»

گفت و گو با یکی از قدیمی ترین عینک ساز های کشور که مفاخر و مشاهیر زیادی همچون هوشنگ ابتهاج، خسرو شکیبایی فریدون شهبازیان و ... مشتری اش بودند، درباره تاریخچه عینک، شغلش و ...

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰

۲۷ شوال ۱۴۴۲ ۸ ژوئن ۲۰۲۱

شماره ۲۰۶۷۸

۱۸۹۸



محمد اکبری | روزنامه نگار

پرونده

کشف یکی از قدیمی ترین باتوق های افراد عینکی تهران کار سختی نبود چرا که

سال هاست یک مغازه قدیمی عینک سازی مقابل کلیسای مریم مقدس تهران، میعادگاه مردم،

چهره ها و شخصیت های شناخته شده معاصر و البته عینکی کشور بوده است. هر چند در سال های دور که

تولید عینک ماشینی (با دستگاه) توسعه و رونق نداشته و بخش عمده صنعت عینک به صورت دستی ساخته می شده است،

به خاطر قدمت و اعتبار این جا، افراد نام آشنای بیشتری به این کارگاه عینک سازی سر می زدند اما اکنون هم علاوه بر مشتری های قدیمی،

افرادی هستند که برای یادآوری خاطرات قدیمی یا عمدتاً به بهانه خرید عینک آفتابی به این مغازه می آیند. «محمد حسن امیر خانی»،

بیش از ۵۰ سال است که در کارگاه عینک سازی اش مشغول به کار است و سال ها به عنوان یکی از با دانش ترین و فنی ترین سازندگان

عینک در کشور شناخته می شده است. قطعاً به همین دلیل بوده که کارگاه عینک سازی امیر خانی در این سال ها، میزبان بزرگان،

مشاهیر و مفاخر زیادی بوده است. علاوه بر جل سیاسی چه قبل و چه بعد از انقلاب، استادانی همچون هوشنگ

ابتهاج، فریدون شهبازیان، مرحوم خسرو شکیبایی، استاد نامدار خوشنویسی غلامحسین امیر خانی،

هنرمند نقاش استاد جلیل رسولی و ... از مشتریان این مغازه بوده اند. در پرونده امروز زندگی سلام

علاوه بر آشنایی با این عینک ساز قدیمی با او درباره تاریخچه ورود عینک به ایران، خاطراتش از حضور

مفاخر در کارگاه اش، توصیه هایش برای خرید عینک و ... گفت و گویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.

### عینک سازی که کارش از دستگاه های دقیق آلمانی بهتر بود

«محمد حسن امیر خانی»، متولد محله صابون یزخونه تهران است. او از ۱۲ سالگی به دلیل ورکشکنگی پدر، همراه برادرش برای کمک خرج خانواده وارد شغلی نوپدید شد که آن روزها مثل امروز در هر کوچه و خیابانی، مغازه های به چشم نمی آمد. امیر خانی از آن زمان (ابتدای دهه ۴۰) و همچنان با گذشت حدود ۶۰ سال از آن روزها و به رغم کساد شدن پیشه عینک سازی کم و بیش با آن مانوس است. هر چند جوان تر از سنش به نظر می رسد اما سابقه شاگردی استاد محمد شالچی را دارد، استادی که پدرش از بنیان گذاران ورود صنعت عینک به کشور بود. «محمد حسن امیر خانی» کار خود را از بازار ناصر خسرو و کار در فروشگاه عینک سازی «مرکزی» آغاز کرده است. به گفته تاریخ و به نقل از قدیمی های این صنعت، در آن زمان تخصص کافی در «ویزونه» کردن یا برش و تراش و تنظیم شیشه عینک برای قرار گرفتن دقیق در قاب وجود نداشته است. بنابراین گاهی دیده می شده که مشتری ها سفارش فریم (قاب عینک) مستطیلی می دادند اما گردتحویلی می گرفتند یا به دلیل خطای عینک ساز سفارش عینک گرد، چهار گوش از آب در می آمده است! در سال هایی که امیر خانی از کار شاگردی برآمده و تبدیل به استاد کار شده، به گفته قدیمی ترها که بیشتر شان هنوز هم جزو مشتری های او هستند و به مغازه اش می آیند، ویزونه کردن دستی او و برادرش در حد نمونه های برش و تراش خورده با دستگاه های جدید و دقیق عینک سازی آلمان در آن زمان بوده، دستگاه هایی که آن موقع در ایران بسیار نایاب بوده است.

### مفاخر زیادی به هنر من اعتماد داشتند

اعتبار کیفی بی بدیل در ساخت عینک، باعث شده علاوه بر سفارشات ویژه از سوی رجال سیاسی سرشناس و حتی به اصطلاح درباریان آن زمان که استاد امیر خانی علاقه ای به ذکر نام آن ها ندارد، این مغازه محل تردد بزرگان و مفاخر زیادی باشد. او که تمایلی به اسم بردن از این افراد ندارد، با اصرار زیاد راضی می شود چند نفر از آن ها را نام ببرد و می گوید: «سال ها مراقب چشمان مفاخر بودم. مفاخر و چهره های سرشناس زیادی بودند که در گذشته به هنر من اعتماد داشتند و به کارگاه عینک سازی من می آمدند. استاد هوشنگ ابتهاج، فریدون شهبازیان از نام آشنایان شعر و موسیقی، بازیگران مطرح زیادی چون هنرمند فقید خسرو شکیبایی و البته این روزها پسر و همسر شان، استاد نامدار خوشنویسی غلامحسین امیر خانی و هنرمند نقاش استاد جلیل رسولی و ... از مشتریان عینک سازی من بوده اند.» البته آن طور که می دانم و از سایر کسبه این محله شنیدم، افراد سرشناس دیگری هم بوده اند که به این مغازه سر زده اند.

### اوایل از کشورهای خارجی هم مشتری داشتیم

همان طور که گفته شد، بیش از ۵۰ سال است که کارگاه عینک سازی استاد محمد حسن همچنان با همراهی برادرش استاد عباس در خیابان کریم خان دایر است، هر چند این روزها کمتر مثل گذشته، مشتری دارد. استاد امیر خانی درباره دلیل انتخاب یک اسم انگلیسی برای کارگاه اش می گوید: «آی بال به معنای کره چشم یا دایره دید، نامی است که در ابتدا به دلیل رفت و آمد مشتری ها و گردشگرهای خارجی به این مغازه به ویژه در سال های ابتدای ساخت خیابان کریم خان برای مغازه انتخاب کردیم و تا امروز یعنی طی نیم قرن بدون تغییر باقی مانده است. بسیاری عینک سازی آی بال را معتبرترین و قدیمی ترین عینک سازی تهران می دانند و البته اعتبار اصلی آن بیشتر به آن دورانی برمی گردد که کار ساخت عینک به ماشین محول نشده بود و ما به عنوان حرفه ای ترین سازنده های عینک تهران شناخته می شدیم.»

### بعضی مفاخر به دلیل رضایت از کارم به من یادگاری می دادند

در مغازه عینک سازی ام به این نکته بسنده می کنم که هنرمندان زیادی اعم از بازیگر، کارگردان، شاعر و ادیب، خوشنویس و تصویرگر به این جا قدم نهادند که همگی نجیب و بزرگوار بودند. بدون تعارف بنده از حضور این افراد لذت و آفری برده ام اما فراموش نشود که کار اصلی آن ها در این مغازه تهیه عینک بوده، بنابراین همه مسائل مطرح شده در دیدارهای مان معطوف به این موضوع بوده است. من هم آدمی نبودم که زیاد از آن ها سوال کنم و وقت شان را بگیرم. البته در این میان خاطرات قشنگی هم برایم رقم خورده

قطعاً خاطرات زیادی در این مغازه ثبت و ضبط شده و صدای هنرمندانی بر در و دیوار آن طنین انداخته که برخی از آن ها امروز در میان ما نیستند و چهره در نقاب خاک فرو برده اند. اما درو دیوار این مغازه حرف و نشانه ای از شعر خوانی های سایه (هوشنگ ابتهاج) یا سهراب خوانی خسرو شکیبایی فقید با ما ندارند و تنها استاد امیر خانی است که برای مان درباره این حضور این افراد در این کارگاه عینک سازی می گوید: «در پاسخ به سوال تان درباره ویژگی های رفتاری و گفتاری مشتری های تاریخی و سرشناس

### دوره عینک سازی دستی به پایان رسیده است

شاید عینک ساز قدیمی تهران بر حسب شهرت و قدمت همچنان مشتری خوبی داشته باشد اما استاد امیر خانی عقیده دارد که دوره صنعت عینک سازی دستی یا کلاسیک و حتی عینک فروشی های دیگر به طور کلی به سرآمده زیرا به گفته او مراکز پزشکی با عنوان «اتاق عینک» در صد بالایی از مشتری های عینک فروشی های شهر را جذب کرده اند و امروزه برخلاف گذشته تعداد بسیار اندکی از نسخه ها در مغازه ها و کارگاه های عینک سازی پیچیده می شوند. او که شاید جزو آخرین بازمانده های نسل عینک سازان دستی است، می گوید: «این شغل که به نوعی هنر و میراث من محسوب می شود به نسل بعد از خودم نرسیده و این جاذبه پایان کار من است.» او می افزاید: «همان طور که می بینید عینک سازان قدیمی، این روزها همه شان عینک فروش شده اند و همه تولیدات و محصولات شان صنعتی شده است. بنابراین در صنف جدید عینک فروشان دیگر نه حجم کار تولید دستی زیاد است و نه گذاشتن وقت و حوصله برای ظریف کاری های قدیم، جایگاهی دارد. هرچه که هست این کارگاه ها، در نهایت به یک محل شیک برای فروش تبدیل شده اند که هیچ تولید دستی ندارند ولی کاش این اتفاق نمی افتاد و این هنر مثل بسیاری از دیگر شغل های تاریخی، کم و بیش حفظ می شد.»

### تشخیص خوب بودن عینک بسیار سخت است



یکی از رایج ترین سوالات مردم، درباره معیارهای یک عینک خوب است، به خصوص عینک آفتابی که به درد همه افراد می خورد و از همه سنین و قشرها، مشتری آن هستند. استاد امیر خانی در این باره می گوید: «تحریم ها و به تبع آن ضعف قدرت خرید مردم در مقابل افزایش ارزش ارزهای خارجی باعث شده است دیگر مانند گذشته عینک های با کیفیت صادر صد اصلی وارد کشور نشود. طبعاً عینک مناسب، مانند هر کالای کیفی دیگر، محدود و بسیار گران عرضه می شود. از سوی دیگر شاهدیم که فعلاً عمده کالاها از جمله عینک از چین وارد می شود که آن هم داستان دیگری است. برخلاف تصور عموم باید توجه داشت هر کالایی که از چین بیاید، بی کیفیت و به معنای به درد نخور بودنش نیست زیرا عینک هایی که در حد برند اصلی کیفیت دارند هم توسط افراد متعهد از چین وارد می شوند که البته تقریباً قیمت بالایی دارند. این را تعریف کند. او که تمایل زیادی به صحبت در این باره ندارد، خیلی خلاصه می گوید: «استاد ابتهاج، مردی آرام و فروتن بود که در انتخاب عینک به کیفیت و البته توصیه های سازنده آن توجه زیادی داشت. ایشان همچون استاد شهبازیان، عجله ای برای خرید نداشتند و تلاش می کردند بهترین و اصولی ترین انتخاب را داشته باشند.» امیر خانی اتکا به نظر کارشناس عینک را ویژگی اخلاقی استاد فریدون شهبازیان آهنگ ساز برجسته کشور می داند و می افزاید: «فروتنی استاد شهبازیان در زمان حضور در کارگاه من بعد از این همه سال در ذهنم مانده و سابقه دوستی ما با این استاد فروتن طولانی است و ایشان همچنان به ما محبت دارند.»

### کیفیت برای مرحوم شکیبایی از زیبایی عینک مهم تر بود

استاد امیر خانی درباره میزان حساسیت مشاهیر برای خرید عینک و خاطراتی که از حضور این افراد در کارگاه عینک سازی اش دارد، چنین می گوید: «مرحوم خسرو خان فقید (شکیبایی) هیچ و سواس خاصی در خرید عینک نداشت و برای تهیه یک عینک خوب همواره توجه زیادی به توصیه و توضیحات من به عنوان کارشناس ساخت عینک داشت. این اتفاق در حدی بود که به عنوان یک هنرمند سرشناس، متواضعانه در انتخاب قاب و حتی ویژگی ظاهری عینک از من راهنمایی می گرفت. کیفیت برای مرحوم شکیبایی از زیبایی عینک اهمیت بیشتری داشت. این را هم بگویم که همسر این هنرمند فقید (خانم پروین کوشیار) و فرزند ایشان (پویا شکیبایی) که او هم بازیگر است، همچنان برای خرید عینک به مغازه ام سر می زنند و همانند استاد شکیبایی خرید منطقی و دور از اسراف دارند.»

### استاد ابتهاج و شهبازیان برای خرید عجله نداشتند

از امیر خانی می خواهم درباره زمانی که هوشنگ ابتهاج و فریدون شهبازیان برای خرید عینک و ساخت قاب به مغازه اش مراجعه می کردند، برای مان تعریف کند. او که تمایل زیادی به صحبت در این باره ندارد، خیلی خلاصه می گوید: «استاد ابتهاج، مردی آرام و فروتن بود که در انتخاب عینک به کیفیت و البته توصیه های سازنده آن توجه زیادی داشت. ایشان همچون استاد شهبازیان، عجله ای برای خرید نداشتند و تلاش می کردند بهترین و اصولی ترین انتخاب را داشته باشند.» امیر خانی اتکا به نظر کارشناس عینک را ویژگی اخلاقی استاد فریدون شهبازیان آهنگ ساز برجسته کشور می داند و می افزاید: «فروتنی استاد شهبازیان در زمان حضور در کارگاه من بعد از این همه سال در ذهنم مانده و سابقه دوستی ما با این استاد فروتن طولانی است و ایشان همچنان به ما محبت دارند.»

### دیدار مکرر با مشاهیر فواید زیادی برایم داشته است

ناگفته نماند این سازنده عینک های کلاسیک علاوه بر فعالیت در این شغل، در چند رشته ورزشی چون کونگ فو، کوه نوردی، تنیس و به تازگی اسنوکر، فعالیت حرفه ای داشته و دارد. او روحیه ای لطیف دارد و بارها در خلال صحبت هایش با ما از علاقه مندی اش به موسیقی سنتی و به طور خاص استاد بنان و شجریان می گوید و ترانه های ایرج، گلپا... را می خواند. او که به تازگی یک کتابچه شعر هم چاپ کرده، در این باره می گوید: «مردم ما باید شعر را بیشتر وارد زندگی شان کنند، به خصوص اشعار شاعرهای بزرگ این خاک و بوم را. به شخصه برای من، دیدار مکرر با مشاهیر فواید زیادی داشته است، مثلاً دوستی و دیدارهای مکرر با بزرگان فرهنگ و هنر کشور در محل کارم موجب کشف ذوق شاعرانه ام شد. شعرهایی که در طول سال های متمادی نگاشته ام، به تازگی با اصرار و درخواست دوستان فرهیخته ام در قالب کتابچه شعری به چاپ رسید.» او در پایان گفت و گو که در عصر یک روز بهاری صورت گرفت، به رسم میزبانی به جای چای با یکی از شعرهای کتابچه شعرش ما را مهمان کرد که در ادامه می خوانید: «در آینه چون می نگریم رازنگه دار / رخسار من از حلقه چشمان تو پیداست / منظور من از بودن در چشم تو آن بود / چون هر مژه ات پنجره ای بر لب دریاست / پنهان مکن ای ماه شب افروخته رخسار / که هر طرفی می نگریم چشم تو زیباست / چون باده می یک سره در جوش و خروش / ناشادی این بخت من از این دل شیدا است / عبیم مکن ای عاقل و زهدم مفروشم / که سز و قودش در دل من یک سره غوغاست.»